



ویرنه نامه

ولادت حضرت عباس علیه السلام



ویردنامه ولادت حضرت عباس



عباس بن علی علیه السلام؛ اسوه شجاعت و الگوی وفاداری

امام صادق علیه السلام درباره عموی بزرگوارشان، حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام، فرموده اند: «کان عمنا العباس بن علی علیه السلام نافذ البصيرة صلب الايمان جاهد مع اخيه الحسين علیه السلام و ابلی بلاء حسنا و مضی شهیدا؛ عمویم عباس بن علی علیه السلام بصیرتی نافذ و ایمانی محکم داشت. همراه برادرش حسین علیه السلام جهاد کرد، به خوبی از بوته آزمایش بیرون آمد و شهید از دنیا رفت.» (تنقیح المقال فی علم الرجال؛ ج ۲؛ ص ۱۲۸) بی تردید، حضرت عباس بن علی علیه السلام، چهره پرفروغ و از قهرمانان آوردگاه نینواست. حضرت ابوالفضل علیه السلام، سالار رشید سپاه اباعبدالله علیه السلام و علمدار لشکر سرور جوانان اهل بهشت بود. فصل فصل تاریخ واقعه کربلا، مشحون از جانبازی و وفاداری این فرزند برومند امیرمؤمنان علیه السلام است. ابوالفضل العباس علیه السلام برای تمام دوستداران آزادی و آزادگی، نماد شرافت، وفاداری، عزت و جوانمردی است. با آن که بخش های محدودی از زندگی و حیات این اسوه ایثار و شهادت، در تاریخ منعکس شده، اما شخصیت متعالی و برجسته او، چنان بر ذهن و اندیشه آزادی خواهان پرتو افکنده است که محدودیت منابع و اندک بودن اطلاعات کمتر به چشم می آید.

چگونگی ولادت علمدار کربلا

حضرت عباس بن علی علیه السلام روز جمعه، چهارم شعبان سال ۲۶ هـ.ق، در شهر مدینه متولد شد. پدرش، امیرمؤمنان، امام علی علیه السلام و مادرش، بانویی باتقوا و شجاع به نام فاطمه، دختر حزام بن خالد، از قبيله بنی کلاب، ملقب به «ام البنین» بود. «عبدا... مامقانی» در جلد دوم کتاب «تنقیح المقال»، درباره ازدواج امیرالمؤمنین علیه السلام با ام البنین می نویسد: «قد روی ان امیرالمؤمنین علیه السلام قال لآخیه عقیل بن ابی طالب، و کان نسابة عالما بانساب العرب و اخبارهم، انظر الی امرءة قد ولدتها الفحولة من العرب، لا تزوجها فتلدلی غلاما فارسا یكون عوناً لولدی الحسین علیه السلام فی کربلا. فقال له: تزوج بام البنین الکلابیة، فانه لیس فی العرب اشجع من ابائهما؛ روایت شده است که امیرالمؤمنین علیه السلام، از برادرش عقیل، که به علم انساب عرب آگاه بود، خواست تا همسری با نسب برای او برگزیند تا برای او پسری شجاع به دنیا آورد که یار و یاور پسرش حسین علیه السلام در کربلا باشد. عقیل به ایشان گفت که با ام البنین کلابی ازدواج کند، چرا که در میان عرب، شجاع تر از اجداد او سراغ ندارد.» (ابن عنبه) نیز در صفحه ۴۸ کتاب «عمدة الطالب الصغری فی نسب آل ابی طالب»، این روایت را، البته با اندکی تلخیص، آورده است. «باقر شریف القرشی» در کتاب «العباس بن علی علیه السلام؛ رائد الكرامة و الفداء فی الاسلام»، برای حضرت ابوالفضل علیه السلام، ۲ کنیه و ۸ لقب بر می شمرد. ظاهر آن

حضرت، افزون بر کنیه مشهور «ابوالفضل»، کنیه «ابوالقاسم» نیز داشته است. از میان القاب پرشماری که برای فرزند رشید امیرمؤمنان علیه السلام برشمرده اند؛ «قمر بنی هاشم»، «سقاء»، «حامل اللواء»، «کبش الکتیبه» و «باب الحوائج» شهرت بیشتری دارد. «ابوالفرج اصفهانی» نیز، در کتاب «مقاتل الطالبیین»، به تعدادی از القاب آن حضرت اشاره کرده است.

شاهد روزهای حزن انگیز

«باقر شریف القرشی»، به نقل از مورخان، ضمن شرح ماجرای ولادت و نام گذاری حضرت عباس بن علی علیه السلام، از گریستن امیرالمؤمنین علیه السلام، هنگامی که قنداقه ابوالفضل علیه السلام را در آغوش می گیرند، حکایت کرده و نوشته است: «[ام البنین] تقول للإمام: ماذا بیکیک؟ فأجابها الإمام بصوت خافت حزین النبرات: نظرت إلی هذین الکفین، وتذکرت ما یجری علیهما... وأخبرها الإمام (علیه السلام) بأنهما إنما یقطعان فی نصرۃ الإسلام والذب عن أخیه؛ ام البنین به امام علیه السلام گفت: برای چه گریه می کنید؟ امام علی علیه السلام با صدایی که غم در آن موج می زد، فرمودند: به این دست ها نگریستم و آنچه را بر آن ها خواهد گذشت به یاد آوردم... و امام علیه السلام به او خبر داد که چگونه دستان فرزندش در راه یاری اسلام و دفاع از برادرش قطع خواهد شد.» حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام، ۱۴ سال بیشتر نداشت که پدر بزرگوارش، امام علی علیه السلام به شهادت رسیدند. نوجوانی آن بزرگوار در شرایطی سپری شد که امیرمؤمنان علیه السلام مرکز خلافت را از مدینه به کوفه انتقال داده بودند و برای بازگرداندن آرامش به سرزمین های اسلامی و گسترش عدالت در جامعه، با سه گروه قاسطین، ناکثین و مارقین مبارزه می کردند. عباس بن علی علیه السلام، پس از شهادت امام علی علیه السلام، نزدیک به ۱۰ سال، دوران امامت برادر ارجمندش، امام حسن مجتبی علیه السلام را درک کرد و همواره در سختی ها و وقایع حزن انگیز دوران خلافت کوتاه ایشان در کوفه و اقامتشان در مدینه، همراه و یاور برادر و امام خود بود. حضرت ابوالفضل علیه السلام، ۲۴ ساله بود که برادر بزرگوارش، امام حسن مجتبی علیه السلام، نیز به شهادت رسید و او شاهد اتفاقات غم انگیزی بود که در جریان تشییع پیکر مطهر برادرش به وقوع پیوست. قمر بنی هاشم علیه السلام، پس از آن، لحظه ای از برادرش، امام حسین علیه السلام جدا نشد. او برای امام زمان خود، سربازی فرمانبر و آگاه و همراه و همدمی دلسوز و کارگشا بود. زمانی که امام حسین علیه السلام بیعت با یزید را نپذیرفتند و شبانه، مدینه را به مقصد مکه ترک کردند، حضرت ابوالفضل علیه السلام، بی هیچ گونه درنگ و تردیدی همراه با امام علیه السلام حرکت کرد و تا آخرین لحظه از مولا و مقتدای خود جدا نشد.



ویردنامه ولادت حضرت عباس علیه السلام



جایگاه ابوالفضل علیه السلام نزد سیدالشهدا علیه السلام

درباره جایگاه حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام نزد امام حسین علیه السلام، روایات فراوانی نقل شده است. امام حسین علیه السلام، برادرش عباس بن علی علیه السلام را بسیار دوست می داشت. «محمد بن جریر طبری»، در کتاب «تاریخ الامم والملوک» (ج ۴، ص ۳۱۵) ماجرای آمدن نمایندگان عمر بن سعد، برای مذاکره و گفت و گو با امام علیه السلام، را به نقل از «ابی مخنف» آورده و نوشته است: «و قال العباس بن علی یا أخی أتاك القوم. قال فنهض؛ ثم قال: یا عباس، إركب، بنفسی أنت یا أخی حتی تلقاهم فتقول لهم مالک و ما بدا لكم؛ و عباس بن علی [به امام حسین علیه السلام] گفت: برادر! افرادی برای ملاقات با شما آمده اند. راوی گفت: پس [امام علیه السلام] برخاست و گفت: برادرم! عباس جان! فدایت شوم، بر اسب بنشین و به سوی آن ها برو و از آن ها پیرس کیستند و برای چه آمده اند؟» بیان مبارک امام حسین علیه السلام در خطاب قرار دادن حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام، نشان دهنده جایگاه ویژه آن بزرگوار نزد امام علیه السلام است. این احترام و علاقه، تنها ریشه در رابطه برادری میان آن دو بزرگوار نداشت. ابوالفضل العباس علیه السلام فرمان امام علیه السلام را به گوش جان می شنید و عمق آن را به خوبی درک می کرد. عباس بن علی علیه السلام امان نامه ای را که عیبدا... بن زیاد برای او و سه برادرش، به شمر بن ذی الجوشن داده بود، نپذیرفت. «سید بن طاووس» در کتاب مشهور و ارزشمند «اللهوف، علی قتل الطفوف»، گفت و گوی حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام با شمر را این گونه آورده است: «فناداهُ العباسُ بنُ علیٍّ علیه السلام: تَبَّتْ يَدَاكَ لِعَيْنِ مَا جِئْتَ بِهِ مِنْ أَمَانِكَ يَا عَدُوًّا...! أَتَأْمُرُنَا أَنْ نَتْرَكَ أَخَانًا وَسَيِّدَنَا الْحُسَيْنَ بْنَ فَاطِمَةَ وَ نَدْخُلَ فِي طَاعَةِ اللُّعْنَاءِ وَ أَوْلَادِ اللُّعْنَاءِ؟ فَرَجَعَ الشَّمْرُ إِلَى عَسْكَرِهِ مُغْضِبًا؛ پس عباس بن علی علیه السلام به او گفت: ای دشمن خدا، دستانت بریده باد! لعنت و نفرین بر تو و امان نامه ات! آیا از ما می خواهی از برادر و مولایمان، حسین پسر فاطمه جدا شویم و سر به طاعت ملعونان و اولاد ملعونان نهیم؟! وقتی شمر این سخنان را شنید با عصبانیت به سمت لشکرش بازگشت.»

همراه با امام علیه السلام تا آخرین نفس

حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام، در روز عاشورا، افتخار علمداری سپاه سیدالشهدا علیه السلام را برعهده داشت. به نوشته «سید بن طاووس» در «لهوف»، زمانی که همه یاران امام علیه السلام به شهادت رسیدند، «اشد العطش بالحسین علیه السلام فرکب المستأه یزید الفرات، والعباس، اخوه، بین یده؛ تشنگی امام علیه السلام شدت یافت، ایشان برای دسترسی به آب

به سمت بلندای مشرف بر فرات حرکت کردند و برادرشان عباس، همراه و جلوتر از امام علیه السلام در حرکت بود.» هنگامی که به نهر نزدیک شدند، دشمن آن ها را محاصره کرد. «ثم إقطعوا العباس عنه، و أحاطوا به من کل جانب و مکان حتی قتلوه؛ فبکی الحسین علیه السلام لقتله بکاء شدیداً؛ سپس عباس علیه السلام را از امام حسین علیه السلام جدا کردند و بر او از همه طرف هجوم آوردند و به شهادتش رساندند. امام حسین علیه السلام در شهادت برادر به سختی گریست.»

مقام ابوالفضل علیه السلام در کلام معصومین علیه السلام

شیخ صدوق، در کتاب شریف «خصال» (ج ۱، ص ۶۸) می نویسد: «قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ علیه السلام رَحِمَهُ اللهُ... أَلْعَبَّاسُ يَعْزِي إِبْنَ عَلِيٍّ فَلَقَدْ أَتَرَ وَأَبْلَى وَ قَدَى أَخَاهُ بِنَفْسِهِ حَتَّى قُطِعَتْ يَدَاهُ فَأَبْدَلَهُ... بِهِمَا جَنَاحَيْنِ يَطِيرُ بِهِمَا مَعَ الْمَلَائِكَةِ فِي الْجَنَّةِ كَمَا جَعَلَ لِجَعْفَرِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ إِنَّ لِلْعَبَّاسِ عِنْدَ... تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمَنْزِلَةً يَغْبِطُهَا بِهَا جَمِيعُ الشَّهَدَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ امام زین العابدین علیه السلام فرمود: خدا عباس را رحمت کند (مقصود آن حضرت، عباس بن علی علیه السلام بود) که از خود گذشتگی و فداکاری کرد تا آنجا که هر دو دستش بریده شد؛ خدای تعالی به عوض آنها دو بال او را عطا فرمود که با فرشتگان بهشت در پرواز است چنان که با جعفر بن ابی طالب هم چنین کرده بود و عباس را نزد خدای تعالی مقامی است که همه شهیدان در روز قیامت آرزوی آن کنند.» «باقر شریف القرشی» نیز در کتاب «العباس بن علی علیه السلام؛ رائد الكرامة و الفداء فی الاسلام» می نویسد: «وزار الإمام الصادق علیه السلام أرض الشهادة و الفداء كربلاء، و بعدما انتهى من زيارة الإمام الحسين و أهل بيته و المجتبيين من أصحابه، انطلق بشوق إلى زيارة قبر عمه العباس... و قد استهل زيارته التالية التي تنم عن سمو منزلة العباس، و عظيم مكانته، و قد استهل زيارته بقوله: سلام الله، و سلام ملائكته المقربين، و أنبيائه المرسلين، و عباده الصالحين، و جميع الشهداء و الصديقين و الزاكيات الطيبات فيما تغتدى و تروح عليك يا ابن أمير المؤمنين...؛ امام صادق علیه السلام در سفرشان به كربلا، پس از زیارت امام حسین علیه السلام و اهل بیت علیه السلام و اصحاب ایشان، با اشتیاق فراوان به سوی مرقد مطهر عمویشان عباس علیه السلام رفتند و او را بسیار تکریم کردند و بزرگ داشتند، آن گاه زیارتشان را این چنین آغاز کردند: سلام خداوند و فرشتگان مقرب و پیامبران و بندگان صالح او و تمام شهدا و راستان و پاكان هر صبح و شام بر تو باد، ای پسر امیرالمؤمنین علیه السلام...»

طہریات

اسلام علیہ وسلم
علم ربیبین
واللہ اعلم
بہ